

ضمانت‌های اجرایی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست (در حقوق ایران و آمریکا)

بابک صادقی^۱

علیرضا لطفی دودران^{*۲}

Drlofti1346@yahoo.com

مظفر باشکوه^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۳

مقابله حقوقی با آلودگی محیط زیست و زیان‌های فراوان و گوناگون ناشی از آن که حیات بشر در نسل حاضر و نسل‌های آتی را به خطر انداخته، ضمانت‌های اجرایی مناسب و کارآمد حقوقی را می‌طلبد. مسئولیت مدنی به عنوان شاخه‌ای از علم حقوق، ضمانت‌های اجرایی با ارزشی را در این زمینه ارائه نموده است که نقش پیشگیرانه و جبران کننده دارد. هدف از انتخاب موضوع مقاله حاضر، معرفی و بررسی ضمانت‌های اجرائی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در حقوق ایران و آمریکا می‌باشد. مطابق مطالعات صورت گرفته در این پژوهش، ضمانت‌های اجرایی مسئولیت مدنی در حقوق آمریکا نسبت به ضمانت‌های اجرائی حقوقی ایران کاملتر می‌باشد، چرا که در حقوق آمریکا خسارت تنبیهی، مسئولیت تضامنی و همه پرسی مورد پذیرش قرار گرفته است. اما حتی ضمانت‌های اجرایی حقوق آمریکا نیز دارای کاستی‌هایی می‌باشد که نگارندگان به آن اشاره نموده‌اند. وانگهی با نظریه پردازی و بررسی پیرامون مسائل این حوزه نگارندگان ضمانت‌های اجرایی جدیدی مانند بطلان قراردادهای آلوده کننده محیط زیست و استرداد اموال حاصل از فعالیتهای آلاینده را نیز ارائه نموده‌اند تا موجبات جبران و پیشگیری بهتر از زیان‌های ناشی از آلودگی محیط زیست فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: آلودگی محیط زیست، مسئولیت مدنی، ضمانت‌های اجرایی، حقوق ایران و آمریکا.

۱- گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲- گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. * (مسئول مکاتبات)

۳- گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

Civil Liability Sanctions about Environmental Pollution in Iran and US Law

Babak Sadeghi¹

Alireza lotfi doudaran^{2*}

Drlotfi1346@yahoo.com

Mozaffar Bashokouh³

Admission Date: June 28, 2023

Date Received: May 3, 2023

Abstract

The legal confrontation with environmental pollution and the many and various losses resulting from it, which endangers human life in the present generation and future generations, requires appropriate and efficient legal enforcement guarantees. Civil Liability, as a branch of legal science, has provided valuable executive guarantees in this field, which has a preventive and compensatory role. The purpose of choosing the topic of this article is to introduce and review and complete the executive guarantees of civil liability caused by environmental pollution in Iran and US law. According to the studies conducted in this research, the executive guarantees of civil liability in US law are more complete than the legal executive guarantees of Iran, because punitive damages, joint and several liability and referendum have been accepted in US law. But even the executive guarantees of US law also have shortcomings that the authors have pointed out, and by theorizing and examining the issues of this area, the authors have created new executive guarantees, such as the cancellation of contracts that pollute the environment and the return of property. It has also presented the results obtained from the polluting activities in order to provide better means of compensation and prevention of the losses caused by environmental pollution.

Keywords: Environmental pollution, Civil liability, Sanctions, Iran and US law.

1- Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2- Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. **(Corresponding Authors)*

3- Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

مقدمه

آلودگی‌های زیست محیطی حیات تمامی موجودات زنده را در سراسر گیتی به خطر انداخته تا جایی که حتی موجب تغییرات اقلیمی وسیع در جهان گشته است، وانگهی تندرستی و رفاه و اموال انسانها نیز از این پدیده، دچار آسیب‌ها و خسارات فراوانی شده است. در این میان دانش حقوق در مواجهه با این پدیده نامیمون باید به مقابله برخیزد و از حقوق زیاندیدگان پاسداری نماید، اما با توجه به عدم کارایی حقوق کیفری در پاسخگویی به نیازهای موجود در حوزه محیط زیست ناگزیر از آنیم که ضمانت‌های اجرایی‌ای را ارائه نماییم که علاوه بر جبران خسارات زیست محیطی از آلودگی محیط زیست نیز پیشگیری گردد که در این میان مسئولیت مدنی به عنوان شاخه‌ای از حقوق خصوصی بهترین ضمانت‌های اجرایی را ارائه می‌دهد. هر چقدر ضمانت‌های اجرایی حقوقی در بحث مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست متنوع تر و قوی‌تر باشد، علاوه بر پیشگیری از آلودگی محیط زیست می‌توان به جبران بهتر خسارت‌های ناشی از آلودگی محیط زیست امیدوارتر بود. در کتب و مقالات مختلف حقوقی در این حوزه به بحث ضمانت‌های اجرایی حقوقی اشاره گردیده است، اما نگارندگان بر آنند تا این موضوع را به نحو گسترده‌تری مورد ارزیابی قرار دهند، بنابر این در هر مبحث ابتدا حقوق ایران و سپس حقوق آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نتایج ارائه می‌گردد. این تحقیق به روش توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته است.

۱: مسئولیت مدنی تضامنی آلوده کنندگان با سایر مسئولان ایجاد آلودگی

الف) حقوق ایران: در آغاز باید دو موضوع مورد بررسی قرار گیرد: اول این که مسئولان آلودگی محیط زیست چه اشخاصی هستند و آیا مسئولیت تضامنی در حقوق محیط زیست ایران مورد پذیرش قرار گرفته است. در حقوق ایران در مواردی مسئولیت تضامنی پذیرفته شده است. ماده ۱۹ قانون صدور چک ماده ۱۹۸ و ۱۹۹ قانون مالیات‌های مستقیم ماده ۱۴۳ قانون تجارت ماده ۳۱۷ قانون مدنی نیز به مسئولیت مدنی تضامنی اشاره شده است

ولی علی رغم اهمیت مسئولیت تضامنی در موضوع مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست، حقوق ایران در این زمینه ساکت است. در حالی که یکی از ضمانت‌های اجرایی بسیار مناسب برای جبران خسارت‌های زیست محیطی آن است که مسئولان ایجاد آلودگی و همچنین شخص آلوده کننده به صورت تضامنی در قبال زیان دیدگان مسئول تلقی گردند تا زیان دیده بتواند به هدف خویش که همانا جبران خسارت است به نحو مناسب تری نائل گردد. این موضوع از دید نویسندگان پوشیده نمانده است: مسئولیت تضامنی عاملان زیان یکی از ساز و کارهای مناسب برای حمایت از محیط‌زیست است چرا که باعث می‌شود در حد امکان خسارات زیست محیطی جبران نشده باقی نماند. (۱) «وقتی چند عامل باعث تخریب محیط زیست شوند، مسئولیت هر یک را باید چگونه محاسبه کرد؟ ... قوانین ایران در این باره چیزی نگفته اند و فقط سخن از مسئولیت رانده‌اند، بدون آنکه تعیین کنند مسئولیت تخریبگران تضامنی است یا نسبی...؟» (۲) محکومیت تضامنی مسئولان ایجاد آلودگی‌های زیست محیطی نه تنها باعث جبران بهتر و کاملتر خسارات می‌گردد، بلکه نقش بازدارندگی نیز دارد. همانگونه که پیشتر عنوان گردید زیان‌های زیست محیطی ناشی از همکاری علل و عوامل مختلفی می‌باشند که در تعاون با یکدیگر نهایتاً به محیط زیست لطمه وارد می‌کنند. از این رو مدیران شرکتهای آلوده کننده محیط زیست با خود شرکت باید مسئولیت تضامنی در جبران خسارت‌های وارده را داشته باشند. و همچنین دولت و مقامات دولتی نیز با اشخاص آلوده کننده محیط زیست به نحو تضامن مسئول جبران خسارت باشند. به عنوان نمونه اگر در اثر استعمال سیگار خسارتی به محیط زیست وارد آید، دولت و مقامات مسئول شرکت تولیدکننده و مدیران آن و توزیع کنندگان و فروشندگان و استعمال کنندگان همگی به پرداخت خسارت به محیط زیست محکوم شوند.

ب) در حقوق آمریکا! این دکتترین به زیان دیده اجازه می‌دهد که کلیه زیانهایش را جبران کند و از هر کدام از خواندگان یا هر

علیه اشخاص خصوصی و یا نهادهای دولتی به کار گرفته می-شود...» (۵)

۲: بطلان قراردادها

الف) حقوق ایران: اصل پنجاهم قانون اساسی مقرر می‌دارد که: «فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع می‌باشد.» پس قانون اساسی هر نوع عمل حقوقی را نیز که می‌تواند منجر به آلودگی محیط‌زیست گردد ممنوع تلقی نموده است. همچنین در بحث پیرامون قواعد فقهی، شیخ مرتضی انصاری نظریه‌ی نفی حکم ضرری را ارائه نموده‌اند، مطابق این نظر کلیه احکام ضرری ممنوع تلقی می‌گردند و به نحو اولی قراردادهایی که می‌تواند منجر به آلودگی محیط‌زیست گردد نیز ضرری تلقی گردیده و فاقد اثر حقوقی می‌باشند. قراردادهای آلوده کننده محیط‌زیست مخالف با نظم عمومی نیز می‌باشند، زیرا مخل آسایش و حقوق مردم تلقی می‌گردند. ماده شش قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد که عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد، در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست. همچنین ماده‌ی ۹۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد، محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه‌ی جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجرا گذارد. «از نظر فقهی نیز مانع شرعی اجرای تعهد را غیر ممکن می‌سازد و در نتیجه، تعهد مزبور باطل خواهد بود. (الممنوع شرعاً کالممنوع عقلاً)» (۶). بنابر این قراردادهای آلوده کننده محیط‌زیست به دلیل آنکه مخالف نظم عمومی و قانون اساسی می‌باشند باطل و فاقد آثار حقوقی‌اند. قاعده‌ی نفی عسر و حرج نیز به گونه‌ای دیگر بر همین امر اشاره دارد. مطابق این قاعده کلیه اموری که منجر به عسر و حرج مسلمین گردد باید رفع و بلا اثر گردد، زیرا مطابق قاعده نفی عسر و حرج حتی احکام شرعی نیز که موجب عسر و حرج می‌گردد رفع می‌گردد، پس به نحو اولی قراردادهایی که منجر به آلودگی محیط‌زیست

ترکیبی از خوانندگان آنرا وصول نماید. حذف این دکترین به این نتیجه منجر می‌شود که فرد زیان‌دیده نتواند به طور کامل به خسارت و زیان وارده به خودش برسد. پس از اینکه زیان‌دیده خسارت خود را وصول نمود فرد پرداخت کننده خسارت می‌تواند به دیگران برای مبالغی که پرداخته و سهم خطای آنان بوده مراجعه نماید. سرکلا یا قانون فراگیر و متقابل جبران مسئولیت زیست‌محیطی انبوهی از دعوی زیست‌محیطی را ایجاد و مطرح نمود، دادگاه‌ها تمایل پیدا کردند که مسئولیت شرکت‌ها را به سهامداران، مدیران، متصدیان و کارمندان شرکتها را بعنوان نهاد قائم مقامی و سرپرستی گسترش دهند و مفاهیم حقوق سنتی مربوط به شرکت‌ها را نادیده بگیرند و به کنار بگذارند (۳). تحمیل مسئولیت تضامنی در مورد پاکسازی محل انباشت ضایعات خطرناک مطابق قانون فراگیر و متقابل جبران مسئولیت زیست‌محیطی یکی از جنبه‌های بحث برانگیز این قانون می‌باشد. مطابق تفسیر عمومی دادگاه‌ها بطور مشترک مسئولیت تضامنی را در مورد سایت‌های پسماند به کار می‌برند. هنگامی که این قانون در سال ۱۹۸۰ تصویب گردید ماده ۱۰۷ این قانون طیف وسیعی از مسئولین شامل کارخانه، حمل کننده و انبار کننده ضایعات را شامل گردید و مسئولیت مدنی را بر آنها تحمیل کرد (۴). به عنوان نمونه مطابق دکترین تراست عمومی دولت امین مردم در مورد مواهب طبیعی و محیط زیست می‌باشد. «... ایالات به عنوان متولی برای مدیریت اموال به نفع مردم مسئول می‌باشند. دکترین تراست عمومی می‌توان منبع تعهدی برای حفاظت از منابع طبیعی در خصوص تخریب و نابودی باشد، اصل ۱۱ قانون اساسی هاوایی مقرر می‌کند که منابع طبیعی عمومی مانند یک تراست می‌باشد که بوسیله ایالت و برای مردم اداره می‌شود. این دکترین، ایالت‌ها را به عنوان متولی برای اموال مشترک می‌شناسد که باید از تصاحب و تصرف اشخاص خصوصی در آنها جلوگیری کنند و نه تنها باید اموال مشترک عمومی را حفظ نمایند، بلکه باید پیگیر منع فعالیت‌های زیانبار و جبران هرگونه تقلیل در مجموعه اموال تراست باشند. این دکترین در جریان دعوی مردم علیه دولت و بین اشخاص و نهادهای عمومی

می‌گردند، چون موجب عسر و حرج و سختی و در تنگنا قرار گرفتن مردم می‌باشند، باید رفع و بی اثر شوند.

ب) حقوق آمریکا: بطلان قراردادهای در حقوق آمریکا حقوق قراردادهای عموماً بر اساس این اصل می‌باشد که دادگاه‌ها توافقات طرفین را که به طور آزادانه در آن وارد شده‌اند، قابل اجرا می‌نماید و اگر طرفین قرارداد شرایط مقرر قانونی را رعایت نمایند، حقوق در هنگام نقض قرارداد جبران خسارت را نوعاً مقرر می‌کند. دکتترین قراردادهای غیرقانونی اجازه می‌دهد تا طرفین قرارداد هنگامی که قرارداد غیرقانونی است یا مخالف نظم عمومی می‌باشد از انجام تعهداتشان خودداری کند که محدودیتی نادر بر اصل آزادی قراردادهاست. دادگاه‌ها اثر نظم عمومی را با اعلام بطلان قراردادهای غیرقانونی اعلام می‌دارند و از اعطای اثر قانونی به آنها خودداری می‌نمایند و دادگاه‌ها با مقرر نمودن خسارات از قراردادهای غیرقانونی پیشگیری می‌نمایند تا طرفین قرارداد از انجام معاملات غیرقابل اجرا به وسیله قانون، اجتناب نمایند (۷). اما در حوزه محیط زیست نگارندگان در حقوق آمریکا مطلبی به عنوان بطلان قراردادهای آلوده کننده محیط زیست نیافتند.

۳: اعاده وضع به حالت پیشین

الف) حقوق ایران: این ضمانت اجرا در حقوق کشور ما اهمیت ویژه ای دارد. «درست است که این روش بهترین روش جبران خسارات زیست محیطی است، اما همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، در بعضی از موارد کارایی ندارد، با این حال باید دادگاه‌ها تا جایی که امکان دارد رای به استفاده از این روش برای جبران خسارات زیست محیطی دهند.» (۱) اعاده به حالت سابق در واقع بهترین روش جبران خسارت است... بنابراین قاضی می‌تواند بصورتی کاملاً آزاد ضمانت اعاده وضع به حالت سابق را به عنوان یکی از طرق جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا برگزیند؛... (۸) اما در جایی که جبران خسارت از نظر فنی و عملی ممکن نیست، راههای متفاوتی ارائه شده است، از جمله جانشین کردن منابع طبیعی مخروب و آلوده با یک منبع معادل که مانند جبران کردن تلف یک مال یا مثل آن که بهترین نحو برای جبران مال تلف شده محسوب می‌شود... (۲). بدین ترتیب اعمال این شیوه‌ی

جبران خسارت، یعنی اعاده وضعیت به حالت سابق در بحث مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی می‌تواند به عنوان بهترین روش مورد توجه قرار گیرد (۹). در قانون حفاظت از خاک و در تبصره ماده ۱۵ آمده است در صورتی که آلودگی ایجاد شده، محیط زیست و یا سلامت را با وضعیت اضطراری مواجه کند، سازمان بدون اخطار قبلی راساً نسبت به توقف موقت تمام یا قسمتی از فعالیت واحد آلاینده که موجب آلودگی می‌شود اقدام خواهد کرد و آلوده کننده به حکم مرجع قضایی علاوه بر حذف و رفع منشا آلودگی، اعاده به وضعیت سابق و جبران خسارت به حداکثر جزای نقدی محکوم می‌شود؛ همچنین در ماده ۱۶ همین قانون تخریب کنندگان موظف به بازسازی خاک و جبران خسارت شده‌اند؛ در ماده ۱۲ همین قانون آمده است وزارت و سازمان بر حسب مورد مکلفند با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذیربط نسبت به تهیه و اجرای طرح بازسازی خاک در مناطق تخریب یافته و آلوده شده ناشی از حوادث طبیعی غیرمترقبه اقدام کنند. در تبصره یک ماده ۱۳ نیز مدیران سازمان‌های مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی و شهرک‌ها و نواحی صنعتی موظفند در مواردی که آلودگی یا تخریب خاک از سوی سازمان یا وزارت به آنها اعلام می‌شود، آلودگی و تخریب را در چهارچوب مفاد این قانون برطرف نموده و گزارش اقدامات را حسب مورد به سازمان یا وزارت ارسال کنند. بنابر این ملاحظه می‌شود که قانونگذار ایران نسبت به اعاده وضع به حالت پیشین اشاراتی داشته است.

ب) حقوق آمریکا: این موضوع در حقوق آمریکا بیشتر به عنوان کلینینگ آپ مطمئن نظر است، که ترجمه آن به فارسی پاکسازی می‌باشد و بیشتر با پرداخت خسارت صورت می‌گیرد. مطابق قانون سرکلا یا قانون فراگیر و متقابل جبران مسئولیت زیست‌محیطی آژانس حفاظت محیط زیست آمریکا، شرکت‌ها یا اشخاصی را که مسئول آلودگی هستند می‌یابد و یا با آنها گفتگو می‌کند و یا این که به آنها دستور می‌دهد که منطقه را پاکسازی نمایند یا آنها را مجبور می‌کند که هزینه پاکسازی را به آژانس یا دیگر گروه‌ها بدهند.

نامشروع در نظر گرفت و حکم به استرداد منافع و اموالی داد که از آلودگی محیط زیست به دست آمده است.

ب) در حقوق آمریکا: در حقوق کشور آمریکا مطلبی به عنوان استرداد اموال و منافع حاصل از فعالیت‌های آلاینده ملاحظه نمی‌گردد، که این امر نشان دهنده نقص سیستم حقوقی آن کشور است.

۵: پرداخت خسارت

الف) حقوق ایران: پرداخت خسارت به زیان‌دینگان همواره عملی‌ترین روش برای جبران زیان آنها می‌باشد؛ زیرا این روش علاوه بر آنکه می‌تواند به طور تقریبی جبران زیان نماید می‌تواند جنبه پیشگیری از اقدامات زیانبار آتی را نیز فراهم آورد «امروزه تمایل رویه قضایی بر اینست که خسارت به پول ارزیابی شود و دادگاه حکم به جبران خسارت از طریق مبلغی پول بدهد.» (۱۱) به نظر نگارندگان کلیه خسارات ناشی از آلودگی محیط زیست باید به وسیله مسئولین ایجاد آلودگی محیط زیست جبران گردد. در مورد خسارت معنوی نیز نویسندگان آورده‌اند: «ضرری که متوجه حیثیت و شرافت و آبروی شخص و یا بستگان او گردد.» (۱۲) باید طبق مقررات موجود که تعداد آنها کم هم نیست بر این اعتقاد بود که، خسارت معنوی، هم به لحاظ فقهی و منطق حقوقی و بر حسب ادله نظری باید به نحو متناسب جبران شود و هم غالب مقررات موجود بخصوص اصل ۱۷۱ قانون اساسی جبران آن را لازم شمرده است و بر همین مبنا، برخی محاکم و مراجع قانونی این قبیل خسارات را قابل جبران از طریق مادی دانسته‌اند. البته روشن است که در موارد زیادی تعیین خسارت به منزله نوعی تشفی خاطر و معادل خسارت است و امکان جبران کامل و اعاده حالت سابق نیست، ولی در هر حال بهتر از عدم جبران است. (۱۳) و اما در خصوص خسارات معنوی در حوزه محیط زیست نیز باید گفت: خسارت غیرمادی و صدمه روحی و روانی و هر نوع افسردگی و پریشانی است که در اثر تخریب و آلودگی محیط زیست و نابودی جانداران موجود در آن پدید می‌آید. در واقع هرگونه خسارت وارده بر روح و روان که در اثر آلوده شدن محیط زیست به وجود می‌آید نوعی خسارت معنوی است؛ چرا که انسان با طبیعت زنده است و شادابی طبیعت، شادابی او نیز هست و این دو پیوند ناگسستنی با یک دیگر دارند. (۹) در ماده

۴: استرداد اموال و منافع حاصل از آلودگی محیط‌زیست

الف) حقوق ایران: یکی دیگر از ضمانت‌های اجرایی در موضوع آلودگی محیط‌زیست آنست که اموال و منافع حاصل از آلودگی محیط‌زیست توسط اشخاص مسئول را نامشروع تلقی نماییم. تحصیل، استفاده‌های ناروا و تصرفات ظالمانه و غاصبانه در اموال و از بین بردن حقوق دیگران، معاملات خسارت‌بار ضرری و غرری، رشوه، ربا در یک کلام اکل مال بالباطل است. بنابراین اکل مال بالباطل یک نظریه عمومی است و تمام انواع روابط اقتصادی و تحصیل ثروت از رهگذر باطل را شامل می‌شود. به نظر قرآن مجید چنین اقداماتی سبب هلاکت و نابودی مردم و از هم گسستگی جامعه مومنین است. بنا به مراتب به نظر ما مفاد آیه لا تاكلوا عام است و کلیه موارد باطل عرفی را شامل می‌شود و مواردی که در روایات گفته شده مانند قمار، ربا و ارتشا و ... مصادیق محسوب می‌شوند و مواردی از معاملات در زمان حاضر که عرف باطل و غیرمنصفانه می‌داند هرچند مصداق هریک از عناوین منصوصه نباشد، (همانند معاملات هرمی و امثال آن) به استناد عموم حرمت اکل مال بالباطل می‌توانیم نظر بر حرمت بدهیم، در حقوق موضوعه نیز این موضوع نظیر دارد. تدوین‌کنندگان قانون اساسی، اصل ۴۹ این قانون را معطوف به ثروت‌های نامشروع و بیان تکلیف حکومت در جمع‌آوری آنها و برگرداندن این گونه ثروتها به صاحبان حق و یا مصادره به نفع بیت‌المال کرده است، در این اصل بیان شده است که دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کارها و معاملات دولتی، فروش زمینها نبات و مبالغت اصلی دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند، در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد، این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود. (۱۰) در نتیجه با توجه به نظرات قبلی و آنکه جنبه‌های اشاره شده از تحصیل مال نامشروع در قوانین خصوصاً قانون اساسی تمثیلی می‌باشند و آلودگی‌های زیست محیطی اثرات بسیار گزاف‌تر و جبران‌ناپذیرتری بر محیط زیست، ثروت‌های عمومی، رفاه و سلامتی مردم و حتی نسل‌های بعدی می‌گذارند، از اینرو ثروت‌های ناشی از آلوده کردن محیط زیست را نیز باید در زمره ثروت‌های

دو قانون مسئولیت مدنی به زبان‌های معنوی اشاره شده است، همچنین در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری منافع ممکن الحصول و ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم مورد شناسایی و تصدیق قرار گرفته است. همچنین دیه نوع دیگری از خسارت می باشد، مطابق ماده ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «دیه مقدار مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو، یا منفعت یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد مقرر شده است.» «بنابراین نمیتوان از اتلاف و سکوت این روایت استفاده کرد و حکم آنها را اعم از آنکه خسارات دیگری وارد شده باشد یا خیر جاری نمود.» و به این وسیله، جبران خسارت مازاد بر دیه را نفی کرد. علاوه بر این که در برخی از روایات، به اجرت طیب مازاد بر دیه تصریح شده است. (۱۴) یکی از خسارت‌های بحث برانگیز در حقوق ایران خسارت عدم النفع می باشد. اصولاً شخصی که موجب تفویت منفعت دیگری گردد باید خسارات وارده به او را جبران کند و عقل سلیم در مستحق بودن زینان دیده به دریافت آن شک نمیکند، محققین در خصوص وجاهت خسارت عدم النفع چنین نتیجه گیری کرده اند: «فلذا امکان جبران پذیری عدم النفع در فقه امامیه موجود است و طبق ادله مذکور در تحقیق نباید در امکان مدارک ضرر ناشی از خسارت عدم النفع تردید روا داشت. بنابراین به نظر می‌رسد برداشت متضمن از فقه در رابطه با مساله عدم النفع خلاف رای صواب و عکس نظر اولوالباب بوده است و نیاز به اصلاح دارد و لهدا نه تنها قابلیت جبران پذیری عدم النفع از طریق تمسک به قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب ضمان ید و غضب امکان پذیر است، که ادله دیگری تغییر بنای عقلا وجود از مقابله به مثل نیز بر آن دلالت دارد (۱۵). در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری منافع ممکن الحصول قابل مطالبه دانسته شده است و به هر حال مطابق قاعده لاضرر و اتلاف و همچنین ضرورت جبران خسارت از جمله عدم النفع پرداخت خسارات عدم النفع عقلاً و شرعاً واجب است، البته باید پذیرفت که عدم النفعی قابل جبران است که عقلاً قابل حصول باشد. عدم النفع در موضوع مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست می‌تواند چنین متجلی گردد که بعنوان مثال سر و صدای ناشی از کارخانه که در

محیط اطراف منتشر می‌شود باعث می‌گردد که صاحبان املاک مجاور نتوانند از ملک خویش نفع معمول را ببرند و یا اگر انتشار گازهای سمی از کارخانه‌ها باعث گردد که شکوفه‌های درختان میوه در اطراف تبدیل به میوه نگردد و یا محصول کشتزارهای اطراف به بار ننشیند، در اینجا عدم النفع حاصل گردیده و خسارات این عدم النفع به عهده آلوده کننده محیط زیست می‌باشد، به عبارت دیگر عقل سلیم در استحقاق خسارت عدم النفع نمی‌تواند تردید نماید چرا که سیر عادی امور در موضوع عدم النفع قطعاً منجر به منفعت خواهد گردید مگر منافی که امکان ایجاد آن ممکن نیست و یا احتمال بسیار کمی در وقوع آن وجود داشته باشد... (۱۶) بنابر این کلیه خسارات ناشی از آلودگی محیط زیست اعم از مادی و معنوی و عدم النفع باید جبران گردد و تنها نباید به خسارات وارده به اشخاص بسنده نمود بلکه خسارات وارده به محیط زیست نیز باید جبران گردد.

ب) در حقوق آمریکا: عموماً در حقوق آمریکا دو نوع خسارت وجود دارد خسارت جبرانی و خسارت تنبیهی و خسارت هر دو موضوع را شامل می‌شود. خسارت واقعی نام دیگر خسارت جبران‌نیست ولی خسارت تنبیهی از این دو مفهوم خارج است. خسارت جبرانی همانطور که از نام آن پیداست برای جبران زیان‌ها یا صدمات وارده به شخص زیان دیده پرداخت می‌گردد. خسارت تنبیهی برای تنبیه شخص خاطی است (۱۷). حقوقدانان ایران خسارت تنبیهی را مورد شناسایی قرار داده‌اند: دیات و خسارت‌های تنبیهی با یکدیگر اشتراک دارند که مهم‌ترین وجه اشتراک این دو برخورداری از جنبه‌های دوگانه مدنی و کیفری است (۱۸) این نهاد با عدالت و انصاف منطبق است. (۱۹) مهم‌ترین هدف خسارت تنبیهی بازدارندگی فاعل زیان و سایر افراد جامعه از ایراد زیان عمدی می‌باشد. (۲۰) علی‌رغم اینکه در بُعد بین‌المللی قانون‌گذار ایران در قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸ (اصلاحی ۱۳۹۱) صراحتاً خسارت تنبیهی را مورد پذیرش قرار داده است، لیکن در حقوق داخلی چنین نهادی پیش‌بینی نشده است، بنابراین ضرورت دارد، قانون‌گذار ایران در جهت همگام‌سازی با حقوق کشورهای پیشرفته چنین نهادی را مورد پذیرش قرار دهد» (۲۱). در آرای

تنبیهی پرداختی به محیط زیست به صندوق ملی محیط زیست واریز گردد و این مبالغ صرفاً برای احیای محیط زیست صرف گردد. در موضوع مقدار خسارت تنبیهی نیز به نظر می‌آید که میزان دو برابر خسارت واقعی رقم مناسبی برای خسارت تنبیهی باشد.

۶: انتقال واحدهای آلاینده‌ی محیط‌زیست

الف) حقوق ایران. در ماده ۱۱ قانون هوای پاک آمده است: «هرگونه احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی مستلزم رعایت مقررات ابلاغی از سوی سازمان می‌باشد.» ماده‌ی ۱۴ قانون هوای پاک اشعار می‌دارد: «در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی عمومی و کارگاهی به تشخیص سازمان فقط از طریق انتقال تمام یا بخشی از خطوط تولید یا تاسیسات، اماکن آنها به نقاط مناسب امکان پذیر می‌باشد و یا فعالیت مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیندازد، مالکان و مدیران واحد موظفند در مهلت تعیین شده در طرح انتقال نسبت به انتقال واحد مربوط اقدام کنند. مستنکف از مفاد این ماده به پرداخت جزای نقدی معادل ۳٪ درآمد سالانه ناخالص همان واحد محکوم می‌شود. در تبصره این ماده آمده است، مکان، زمان، مهلت و منابع اعتباری و تسهیلات و تشویقات لازم جهت انتقال واحدهای یاد شده بالا براساس آیین نامه ای است که با پیشنهاد سازمان و با همکاری وزارتخانه‌های ذیربط حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، انتقال صنایع و واحدهای آلاینده به مناطق دیگر از نظر قانونی مقید به موافقت مقامات دولتی است؛ صرفنظر از این که مطالبه این خواسته با توجه به شرایط فوق بنظر می‌رسد که از صلاحیت دادگاه خارج است لیکن این امر مخالفت اساسی با اصل تفکیک قوا دارد، بدین گونه که به هر حال مقامات قضایی و دادگستری کشور باید توانایی رسیدگی به خواسته‌ی انتقال صنایع آلوده‌کننده به مکان‌های دیگر که مناسب باشد را داشته باشند. در واقع تفویض اختیار قبولی پیشنهاد انتقال به سازمان

محاکم قضایی آمریکا علاوه بر اینکه زیان دیدگان خسارت واقعی را دریافت می‌نمایند خسارت تنبیهی را نیز به عنوان خسارت اضافی دریافت می‌کنند «خسارت تنبیهی خسارتی غیر از خسارت جبرانی یا خسارت اسمی است که برای تنبیه خواننده به دلیل رفتار تخلف آمیزش مورد حکم قرار می‌گیرد تا او دیگران را به گونه‌ای بترساند که در آینده رفتارهای مشابهی انجام ندهند. ایالت‌های آمریکا، عموماً به وسیله قوانین موضوعه یا قواعد کامن لا ضروری می‌دانند که عمل تخلف آمیز نادرست خواننده، هنگامی باید مستوجب خسارت تنبیهی گردد که توأم با قصد عمدی یا بی‌تفاوتی ارادی یا بی‌توجهی عمدی و یا سوءنیت و یا مواردی که از نظر ذهنی همانند آنها باشد صورت گرفته باشد» (۲۲). «خسارت تنبیهی در بیشتر پرونده‌های مبتنی بر دکترین مزاحمت که خسارت زیست‌محیطی به خواننده تحمیل می‌گردد مورد حکم قرار می‌گیرد؛ اگر چه در پرونده‌های مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی و تعدی و تجاوز به ملک دیگران و مسئولیت محض خصوصاً در فعالیت‌های خطرناک (بدون در نظر گرفتن تقصیر خواننده) نیز رای به خسارت تنبیهی داده می‌شود. در پرونده "کاتی به طرفیت شرکاء رمزی" دادگاه، خواننده را از که طریق ملک خود، موجب ایجاد آلودگی و انتشار آن و آزار رساندن به همسایگان می‌گردید به ۳۸۰ هزار دلار خسارت تنبیهی محکوم نمود و دفاع خواننده را در داشتن مجوز برای فعالیت‌هایش نپذیرفت» (۲۳). برقراری خسارت تنبیهی در موضوع مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی بسیار کارساز و پیشگیرانه خواهد بود، چرا که می‌توان کلیه مسئولین ایجاد آلودگی محیط زیست را به پرداخت خسارت تنبیهی بصورت جداگانه محکوم نمود. در این راستا اشخاص متعددی می‌توانند استحقاق دریافت خسارت تنبیهی را داشته باشند چرا که با توجه به اینکه هم اشخاص حقیقی یعنی انسان‌ها از آلودگی محیط زیست زیان می‌بینند و هم خود محیط زیست دچار خسارت می‌گردد بنابر این میتوان مسئولین ایجادکننده آلودگی محیط زیست را به پرداخت خسارت تنبیهی به زیاندیدگان و محیط زیست به طور جداگانه محکوم نمود که توصیه می‌گردد خسارت

باشد که در آن منطقه مقیم شده‌اند. این سیاست عمومی به نحوی است که سلامت و راحتی جمعیت شهرها تقاضای آنرا دارند. در سال ۱۸۴۹ در دعوی هاوارد مالک یک هتل بزرگ به طرفیت یک کارخانه صابون سازی اقامه دعوی نمود و دادگاه عالی نیویورک چنین رای داد که بهتر است از ادامه چنین فعالیت‌های مزاحمی در نقاطی که جمعیت شهری بالا است ممانعت به عمل آید در بین سالهای ۱۸۴۰ تا سال ۱۸۶۰ بیشتر قضات در پرونده‌های مزاحمت‌های سنتی با قراردایی که صادر می‌کردند، مالکین کشتارگاه‌ها و صنایع ذوب گیاهان و صنایع و فعالیت‌های مشابه را مجبور به تعطیلی کار خود می‌کردند و آنها را به مناطق دور افتاده منتقل می‌نمودند (۲۴).

۷: تعطیلی واحدهای آلاینده محیط زیست

الف) حقوق ایران: در حقوق کشور ما مطابق قوانین مصوب منع فعالیت واحدهای آلاینده محیط زیست تحت شرایط و ضوابط خاصی صورت می‌پذیرد، در ماده ۱۲ قانون هوای پاک آمده است: «سازمان مکلف است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی را که آلودگی آنها بیش از حد مجاز مصوب است، مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع، میزان آلودگی، وسعت منطقه تحت تأثیر و حساسیت منطقه به مالکان یا مسئولان یا مدیران عامل و یا بالاترین مقام تصمیم‌گیر واحد ابلاغ کند تا در مهلت معینی که توسط سازمان تعیین می‌شود، نسبت به رفع آلودگی یا تغییر تولید یا تغییر فرآیند تولید یا تعطیلی کار و فعالیت خود (براساس نوع آلودگی و ماهیت فرآیند کنترلی) اقدام نمایند. در طی مدت تعیین تکلیف این واحدها، طبق مفاد این قانون، به واحدهای مذکور، جریمه ایجاد و انتشار آلودگی تعلق می‌گیرد.» در تبصره ۱ این ماده آمده است: «تصمیم‌گیری در خصوص تعطیلی کامل کار و فعالیت کارخانجات، معادن بزرگ و واحدهای آلاینده بزرگ که تأثیرات ملی و منطقه‌ای دارند بر عهده ستادی متشکل از وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس سازمان، استاندار و بالاترین مقام دستگاه ذی ربط است.» در تبصره ۱ ماده ۱۷ قانون هوای پاک آمده است: «مالکان، مسئولان یا رؤسای مراکز اداری،

حفاظت محیط‌زیست و مقامات قوه مجریه دور باطل را ایجاد می‌کند و مانعی عظیم در جهت انتقال صنایع مزاحم به مکان‌های مناسب محسوب می‌گردد.

ب) حقوق آمریکا: این ضمانت اجرایی در حقوق آمریکا به نحوی روشن و مناسب در رویه قضایی مورد اشاره قرار گرفته است و احکام متعددی در این خصوص صادر گردیده است. آمریکایی‌ها تاریخ طولانی برای استفاده از حقوق مزاحمت برای دفاع از خود در برابر آلودگی‌های صنعتی دارند. آنها از قدرت حاکمیتی برای کيفری کردن موضوع مزاحمت‌های سنتی استفاده نموده‌اند. بدین ترتیب که صنایع را از نواحی پرجمعیت شهرکها و دهکده‌ها به محل‌های دورتر با توسل به اصل منطقه بندی منتقل نموده‌اند. بسیاری از دولت‌های ایالتی قوانینی تصویب کردند که به شهرداری‌ها برای قاعده مند کردن و تنظیم نمودن محل صنایع مزاحم اختیار و قدرت و دولت‌های ایالتی با انتقال صنایع مزاحم و جابجا کردن آنها به مناطق کم جمعیت تر از مردم و جامعه در برابر بوها و گازهایی چون با استفاده از قدرت حاکمیتی حمایت می‌نمودند که این موارد از طریق اقامه دعاوی مزاحمت صورت می‌گرفت البته قاعده جداسازی صنایع از مردم به طور ضعیف عمل می‌نمود زیرا صنایع مجبور بودند که به مناطق شهری نزدیک باشند، چرا که وسایل نقلیه جدید هنوز تکامل لازم را نیافته بودند با گذشت زمان و رشد جمعیت مناطق پرجمعیت گسترش یافت و مردم به مناطق دورتر رفتند و در آنجا ساکن شدند و این در حالی بود که صنایع مزاحم و آلوده کننده نیز در آنجا مستقر بودند و مردم با تجاوز به اصل جداسازی خود را در معرض آلودگی‌های صنایع قرار دادند، این امر باعث مشکلات زیادی حتی قبل از انقلاب صنعتی گردید به نحوی که به صورت مکرر دولت‌های محلی مجبور شدند که قواعد مربوط به منطقه بندی صنعتی را بازنویسی کنند در دعوی برد وی^۱ در سال ۱۸۴۸ گروهی از مالکان در منهتن به طرفیت یک کشتارگاه اقامه دعوی کردند، قاضی دادگاه عالی نیویورک چنین اظهارنظر نمود شهر در حال گسترش است و بعضی از مزاحمت‌ها باید به مکان‌ها و مناطق خالی منتقل گردد به نحوی که دور از همسایگان جدیدی

بهداشتی، درمانی، خدماتی، عمومی و تجاری که موجبات آلودگی هوا را فراهم کنند در صورتی که پس از یک مرتبه تذکر کتبی توسط سازمان، اقدامی برای رفع آلودگی در مهلت مقرر انجام ندهند، به جزای نقدی درجه هشت موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی حسب مورد محکوم می‌شوند و در صورت تکرار، علاوه بر حداکثر جزای نقدی مذکور، با درخواست سازمان و حکم مرجع قضائی صالح به تعطیلی موقت از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند.» همچنین در قانون حفاظت از خاک سال ۱۳۹۸ و در ماده ۱۵ آمده است: «سازمان مکلف است، نسبت به شناسایی واحدهای آلاینده خاک اقدام نموده و به آلوده کننده اخطار دهد که ظرف مهلت معینی متناسب با نوع ماده آلاینده نسبت به حذف و رفع منشا آلودگی، بازسازی خاک و جبران خسارت وارده اقدام کند. در صورتی که اشخاص ذینفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند، می‌تواند برای یک بار از سازمان درخواست تمدید مهلت مذکور را نمایند. مستنکف علاوه بر توقف فعالیت، رفع آلودگی و جبران خسارت زیست محیطی به جزای نقدی... در تبصره این ماده قانونی نیز آمده در صورتی که آلودگی ایجاد شده محیط زیست و یا سلامت را با وضعیت اضطراری مواجه کند، سازمان بدون اخطار قبلی راساً نسبت به توقف موقت، تمام یا قسمتی از فعالیت واحد آلاینده که موجب آلودگی می‌شود، اقدام خواهد کرد و آلوده کننده به حکم مرجع قضایی علاوه بر حذف و رفع منشا آلودگی اعاده به وضعیت سابق و جبران خسارت به حداکثر جزای نقدی محکوم می‌شود. اما همانگونه که ملاحظه می‌گردد، مواد فوق دارای اشکال است و باید صلاحیت تعطیلی واحدهای آلاینده محیط زیست به مقامات قضایی واگذار شود و سازمان حفاظت محیط زیست صرفاً اطلاع دهنده باشد و آن هم نه اطلاع دهنده انحصاری بلکه هر شخص حتی اشخاص غیر ذینفع نیز بتواند تقاضای دستور موقت و تعطیلی واحدهای آلاینده را بنماید.

ب) حقوق آمریکا: تعطیلی واحدهای آلاینده با صدور قرارهای منع توسط محاکم آمریکا صورت می‌پذیرد. یکی از پرونده‌های مهم در این زمینه که از اهمیت فراوانی برخوردار است، نیروگاه ذغال سنگی کارولینا می‌باشد. دعوی در سال ۲۰۰۰ آغاز و تا سال ۲۰۰۷ به طول انجامید. این نیروگاه هزاران تن دی اکسید

گوگرد و دی اکسید نیتروژن را به هوا وارد می‌کرد و همچنین میلیون‌ها تن دی اکسید کربن که موجب تغییرات اقلیمی می‌گردد وارد هوا می‌نمود؛ این پرونده منجر به پرداخت خسارت ۴,۴ میلیون دلار نسبت به آلودگی‌های گذشته و ۹۷۵ هزار دلار جریمه گردید. وکیل مرکز حقوق محیط زیست جنوبی اعلام داشت که این پرونده در ارتباط با میلیون‌ها نفر از اهالی کارولینا می‌باشد تا نیروگاه ذغال سنگ تعطیل گردد و حیات و آب مورد نیاز مردم از آلودگی‌های غیرقانونی محافظت گردد. پرونده در سال ۲۰۰۰ بوسیله دپارتمان دادگستری و عدالت ایالات متحده آمریکا از طرف آژانس محیط زیست آمریکا مطرح گردید. گروه‌های حفاظت محیط زیستی بعد از اینکه دولت بوش استانداردهای حفاظت محیط زیستی را در خصوص نیروگاه‌های ذغال سنگ کاهش دادند، به نحوی که دیگر آنها مجبور نبودند از دستگاه‌های مدرن کنترل آلودگی استفاده کنند مطرح گردید. دادگاه عالی آمریکا در مورد این پرونده و پرونده‌های مشابه حکم به محکومیت نیروگاه‌ها به پرداخت میلیون‌ها دلار خسارت صادر نمود. مطابق مفاد این حکم نیروگاه Duke محکوم به تعطیل نمودن سه واحد از واحدهای قدیمی ذغال سنگی خود شد. همچنین مجبور گردید که واحد جدید خود را تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴ افتتاح نماید که دارای شرایط مناسب برای محیط زیست می‌باشد. (۲۵)

۸: همه پرسی

الف) حقوق ایران: در بررسی ضمانت‌های اجرایی قانونی که در امور مربوط به آلودگی‌های کلان زیست محیطی در سطح کشور مطرح می‌گردد و یا سیاست‌گذاری‌های کلان در امر تاسیساتی که با سرمایه ملی بنا نهاده و یا به کار انداخته می‌شوند، نگارندگان بر آن هستند که با توجه به اینکه محیط زیست متعلق به خداوند می‌باشد و دولت و مسئولان دولتی از بالاترین درجه تا پایین‌ترین آن صرفاً امین می‌باشند و اختیارات آنها از آرای مردمی ایرانیان نشأت می‌گیرد، باید موضوع همه پرسی را به عنوان یکی از ضمانت‌های اجرایی در نظر گرفت. مطابق ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران، رفراندوم به پیشنهاد رئیس‌جمهوری یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دو سوم مجموع نمایندگان برگزار می‌شود. اصل ۵۹ قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌دارد که در

نتیجه

ضمانت‌های اجرایی حقوق آمریکا در موضوع مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست، در مجموع مناسبتر و کارآمدتر از ضمانت‌های اجرایی در حقوق ایران می‌باشد، چرا که در حقوق آمریکا همانگونه که گفته شد، علاوه بر پرداخت خسارت جبرانی، آلوده کنندگان محیط زیست به پرداخت خسارات تنبیهی نیز محکوم می‌شوند و این در حالیست که خسارت تنبیهی که جنبه پیشگیرانه دارد در حقوق ایران در موضوع آلودگی محیط زیست مورد شناسایی قرار نگرفته است، ولی می‌توان با در نظر گرفتن نظریه مفهومی برای قاعده لا ضرر که متضمن لزوم پیشگیری از ضرر می‌شود، رای به وجود و لزوم خسارت تنبیهی داد. همچنین در حقوق آمریکا ضمانت اجرایی همه پرسی در مورد موضوعات زیست محیطی به درستی مورد پذیرش قرار گرفته است که البته این ضمانت اجرا نیز باید در حقوق ایران مورد پذیرش قرار گیرد به این دلیل که دولت و مقامات دولتی صرفاً امین مردم می‌باشند و باید مطابق نظر مردم آنرا اداره کنند. مسئولیت تضامنی و گسترده نیز بدین معنا که کلیه اشخاصی که در ایجاد آلودگی نقش دارند باید با یکدیگر مسئولیت تضامنی داشته باشند، در حقوق آمریکا صرفاً در بعضی از موارد به موجب قانون فراگیر و متقابل جبران مسئولیت زیست محیطی پذیرفته شده است که این ضمانت اجرا باید در حقوق ایران نیز مورد پذیرش قرار گیرد چون موجب جبران کاملتر و بهتر خسارات میگردد و میتوان برای مسئولیت تضامنی بر اساس قاعده لا ضرر (نظریه نفی ضرر غیر متدارک) و قاعده فقهی پیشنهادی تعاون و تضامن، مبنای فقهی در نظر گرفت، بر این مبنای همه‌ی اشخاصی که در ایجاد آلودگی نقش دارند، دارای مسئولیت مدنی تضامنی با یکدیگر می‌باشند. انتقال صنایع آلاینده و تعطیلی آنها به موجب قوانین ایران توأم با ابهام و اشکالات فراوان و وابسته به موافقت مقامات غیر قضایی است. اما در حقوق آمریکا این امر به نحو بهتر و مناسبتری صورت می‌پذیرد. زیرا تصمیم گیری در این خصوص در صلاحیت قضات می‌باشد. مطالب یاد شده بدین معنا نیست که ضمانت‌های اجرایی

مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد در اصل ۱۱۰ هم به فرمان همه‌پرسی ذیل وظایف و اختیارات رهبر اشاره شده است که در واقع به معنای لزوم تأیید مصوبه مجلس و صدور فرمان همه‌پرسی از سوی رهبری است. سازوکار اشاره شده مسیری است که در قانون اساسی و قوانین پایین‌دستی برای مراجعه به آرای عمومی تعبیه و طراحی شده است. ذیل اصل ۵۹ و قبل از برگزاری آخرین همه‌پرسی در مردادماه سال ۶۸، همان سال قانونی مشتمل بر ۳۹ ماده و سیزده تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب شد که مبنای تصویب و برگزاری رفراندوم در ایران است. (۲۶)

ب) حقوق آمریکا: مطابق سیاست های ایالات متحده آمریکا فرآیند ابتکارات و رفراندوم ها به شهروندان بسیاری از ایالت‌های آمریکا اجازه می‌دهد تا قانون‌گذاری جدیدی را مقرر کنند یا قوانینی که اخیراً تصویب شده را به رای عمومی بگذارند. ابتکارات و رفراندوم‌ها از طریق انتخابات و به رای‌گذاری عمومی صورت می‌گیرد که رفرم‌هایی برای پیشرفت تلقی می‌گردد. در مورد قوانین اساسی ایالت‌ها این امر دمکراسی مستقیم تلقی می‌شود. نام فنی این گونه از آرا رفراندوم است، ولی در ایالات متحده آمریکا به عنوان رأی‌گیری پرسشی^۱، رأی‌گیری سنجشی^۲، و پیشنهادی^۳ نامیده می‌شود. رفراندوم در ایالات متحده آمریکا معمولاً و به طور تاریخی به این سوال باز می‌گردد که آیا قوانین مصوب، باشد یا نباشد. که به عنوان رفراندوم عمومی از نظر بین‌المللی شناخته می‌شود (۲۷).

اصلاحیه حقوق زیست محیطی هاوایی: این اصلاحیه در رفراندوم هاوایی و در راستای اصلاح قانون اساسی در ۸ نوامبر ۲۰۲۲ صورت خواهد گرفت. این اصلاحیه به قانون اساسی ایالتی حق داشتن محیط زیستی سالم و تمیز که شامل آب پاکیزه، هوایی تمیز و اکو سیستم سالم و همچنین حق حفظ طبیعت، فرهنگ و کیفیت سالم محیط زیست را اضافه خواهد نمود (۲۸).

6. Shahidi, M., 1383, Performance of contracts and obligations, Majd publication, Tehran. (In Persian)
7. Juliet. P., Kostriky. (1988). Illegal Contracts and Efficient Deterrence: A Study in Modern Contract Theory. P 120.
8. Mashhadi, A., Substantive Constitutionalization of Right to Environment in Iranian & French Law, Comparative Law Review, Volume 5, Number 2, Autumn & Winter 1393. (In Persian)
9. Entezari Najaf Abadi, A., (1394), Civil liability caused by environmental damages. Mokhatab publication, Tehran. (In Persian)
10. Mohaqeq Damad, S., (1393), Illicit Gain of Property in Islamic law. Islamic Sciences Publication, Tehran. P14. (In Persian)
11. Katouzian, N., (1382), Juristic Acts Contracts-Unilateral Acts, Sahami Enteshar company. Tehran. P. 687. (In Persian)
12. Jafari Langroodi, M., (1372), Terminology of Law, Ganje Danesh publication. Tehran, p262. (In Persian)
13. Soltani Nejad, H., (1394), Comparative study of spiritual damage, Mizane Danesh publication, Tehran, p172. (In Persian)
14. Rah peyk, H., (1395), Civil liability rights and compensations, Khorsandi publication, Tehran, pp74-75.(In Persian)
15. Roshan, M., Aliabadi, M., (1379), Investigating the compensability of non-profit in Imami jurisprudence, Legal Journal of Justice. (In Persian)

یاد شده در حقوق آمریکا کامل و بدون نقص می‌باشد، چرا که ضمانت‌های اجرایی دیگری نیز به نظر نگارندگان بر اساس قواعد فقهی و نظریه پردازی شایسته ایجاد است که می‌توان از استرداد منافع ناشی از آلودگی محیط زیست و مصادره آن به نفع محیط زیست بر مبنای نظریه حرمت اکل مال بالباطل یاد نمود، همچنین بطلان قراردادهایی که منجر به آلودگی محیط زیست می‌گردد نیز، ضمانت اجرای دیگری است که در دو نظام حقوقی یاد شده مورد اشاره واقع نگردیده که بر اساس قاعده لاضرر (نظریه نفی حکم ضرری) و قاعده نفی عسر و حرج می‌توان آنرا واجد مبنای فقهی دانست.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در حقوق ایران و آمریکا» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل می‌باشد.

References

1. Hemmati, M., (1397), The role of the judiciary in preventing and compensating for environmental damage in the Iranian legal system, N.81 spring. (In Persian)
2. Fahimi, A., (1396), Comparative law, Biannual scientific and research journal, N.107. (In Persian)
3. Dugan. M. G, Liabilities of corporate individuals for Environmental Claims under CERCLA. Environmental law reporter (1993). p1-9 <https://elr.info/sites/default/files/articles/23-10074.htm>.
4. Harkins. jr. M.R. Environs. Vol. 17. No.1. December, 1993. P 30-42.
5. Bento. L. (2017), The relevance of the public trust Doctrine to Environmental preservation. <http://www.commonlawreviw.cz/p-2>.

- punitive damages in Iranian law with a comparative study in English law, Islamic Azad University of Ardabil. (In Persian)
22. Klass, B., (2007) Punitive Damages and Valuing Harm, 92 Minn. L. Rev. 83. p. 90.91.
 23. Volokh. A. (1996). Punitive Damages and Environmental at Law. Policy study no. 21310- p.10-
 24. Rosen, C.M. 'Knowing' Industrial Pollution: Nuisance law and the power.
 25. Georgette Foster. (2015). Landmark Carolina coal plant pollution case settles. See information in <https://www.edf.org/media/landmark-carolina-coal-plant-pollution-case-settles>.
 26. Irna.1398. See information in <https://irna.ir/xjx2qn>. (In Persian)
 27. <https://web.archive.org/web/20160211180917/http://www.iandrstitute.org/statewide>.
 28. [https://ballotpedia.org/Hawaii_Environmental_Rights_Amendment_\(2022\)](https://ballotpedia.org/Hawaii_Environmental_Rights_Amendment_(2022)).
 16. Fahimi, A., (1391) Civil responsibility arising from environmental degradation in Iran's jurisprudence. Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, p 362. (In Persian)
 17. Wex Definitions Team. (2022) damages in civil cases. See information in <https://www.law.cornell.edu/wex/damages>.
 18. Deylami, A., (1392), The Nature of Diya in Islam vs. Punitive Damages in the US: A comparative Study. Tarbiat Modares University Press, Comparative law Research Quarterly, Volume: 17- Issue: 2. (In Persian)
 19. Safari, P., Ghaderi, M., (1393), The role of fault in punitive damages, The Scientific Research Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic Law the No. 21. (In Persian)
 20. Khosravi, A., Mousapoor, M. (1391), The nature and effects of punitive damages in common law, Civil Law Knowledge, Volume 1, No 1. (In Persian)
 21. Asadi, H., Doctoral dissertation entitled the legal regime governing